

علامت مذکر و مؤنث در کردی^۱

بعضی اختصاصات و نکات جالب توجه دستوری زبانهای باستانی ایران که در کردی محفوظ مانده در فارسی دری از میان رفته است؛ از آن جمله در زبان کردی برخلاف زبان فارسی برای تفریق جنس مذکر و مؤنث در برخی حالات، با اسم، فعل و اادات^۲ علامات مشخصی هست، این علامات را در غالب لهجه‌های کردی درمی‌یابیم و اقامی‌بینیم که این علامات در بعض موارد، در برخی از لهجه‌های کردی باهم متفاوت است.^۳

هرچند عده‌ای از صاحب نظران در فن^۴ دستور فارسی این کیفیت لغت دری، یعنی عدم علامت مشخص مذکر و مؤنث را یکی از مزایای عمده زبان فارسی بشمار می‌آورند؛ ولی در زبان کردی این میراث ارجمند نیاکان ما بجای مانده است و همگام با سیر و

۱- این مقاله جزو مجموعه یادداشتهائی است، که بقصد نگارش طرح دستور جامع زبان کردی جمع‌آوری شده است. ع. ۱.

۲- منظور حرف نداست؛ که برای خواندن یا آواز دادن کسی یا کسانی استعمال میشود.

۳- نك : Textes Kurdes (Memê Alan) par Roger Lescot : publiée par Institut Français de Damas Beyrouth TII 1942 P. 371.

۴- نك : نابسامانی در زبان فارسی (مقاله) بقلم آقای شهاب فردوس نامه هفتگی ؛

پارس چ شیراز ۱۳۴۲ شماره (۲۰۷۶) ص ۶ .

ونك: دستور زبان فارسی غلامحسین کاشف اسلامبول ۱۳۲۸ ه ق ص ۳۰ .

ونك : Kurdish Dialect Studies. By: D. N. Mackenzie London : 1961 I. p. 60

تحوّلات زبان و تکامل ادبیات برای خود جای باز نموده است .
 آقای فاسوم محقق آمریکائی در کتاب باارزش خود (دستور عملی زبان کردی بزبان انگلیسی^۱) جز مختصری ، آنهم فقط در لهجهٔ مکرّی؛ دربارهٔ این مبحث مهم توضیحی نداده اند؛ این حقیر با اعتراف بکمی مایه به بحث و تحقیق این علامات در لهجه‌های کردی میپردازد و اطلاعات و معلوماتی را که در ضمن مطالعه و تحقیق بدست آورده بدین صورت مدون و تقدیم مینماید و امیدوار است که استادان فن^۲، این بحث را در قلمرو کلیهٔ لهجه‌های کردی و مقایسه با علامات مذکر و مؤنث در همهٔ زبانهای کنونی و باستانی هند و ایرانی گسترش دهند .

I - در حالت اضافه :

علامت اتصال مضاف به مضاف الیه که در فارسی کسرهٔ اضافه نامیده میشود^۳ در زبان کردی (لهجهٔ کرمانجی^۴ با کوری) در صورت تذکیر و تأنیث مضاف، باشکال زیر درمیآید :

I - اگر مضاف مذکر باشد علامت اتصال «ئ = ê» (یای مجهول) و علامت مذکر است، چنانکه :

باقئ من گه لهك زه نده = Bavê Min Gelek Rende^۴ یعنی پدر من بسیار

۱ - نك: A practical Kurdish Grammar. by: L. O. Fossum. Massachusetts 1919

۲ - نك: دستور جامع زبان فارسی عبدالرحیم همایون فرخ تهران ۱۳۳۷ ص ۸۹۳

۳ - کرمانجی = Kirmanci یا کورمانجی = Kurmanci هر دو درست و سرزبانهاست و برای مطالعه دربارهٔ ریشه، منشاء و معنی این کلمه نگاه کنید :

هم و زین اثر احمدخانی به اهتمام م. ب. رودنکو مسکوا ۱۹۶۲ ص ۳۳ .

و نك: سلسلهٔ مقالات استاد توفیق وهبی به زبان کردی در مجلهٔ گه لاپوژ چاپ بغداد دورهٔ اول، سال ۱۹۳۹ شمارهٔ ۴ و (۶۵۵) صفحات ۱۱ و ۲۷ .

۴ - آوانویسی جملات کردی این مقاله باخط لاتن مخصوص کردی است، نگاه کنید :

الفبای آسان کردی اثر نگارنده : ELF U BÊY HASANÎ KURDÎ

خوب است که (باף + ئی = \hat{e} + Bav) است و «ئ = \hat{e} » علامت اتصال مضاف به مضاف الیه است و نقش علامت مذکر را دارد^۱.

ههسپی من زه شه = Hespé Min Reşe (ههسپ + ئی = \hat{e} + Hesp)

یعنی: اسب من سیاه است و ئی = \hat{e} علامت اتصال مضاف به مضاف الیه و نقش علامت مذکر را دارد.

میری من لاهه = Mêrê Min lawe (مییر + ئی = \hat{e} + Mêr)

یعنی: شوهر من جوان است و ئی = \hat{e} علامت اتصال مضاف به مضاف الیه است و نقش علامت مذکر را دارد.

کراسی من سپیه = Kirasê Min Sipîye (کراس + ئی = \hat{e} + Kiras)

یعنی: پیراهن من سفید است و ئی = \hat{e} علامت اتصال مضاف به مضاف الیه و نقش علامت مذکر را دارد^۲.

II - چنانکه مضاف مؤنث باشد علامت اتصال «آ = A» است چنانکه^۳:

١- نك: ELFU BÊY KURDî Wenedar Be tîpî latînî Gîw

Mukryanî Kurdistan (IRAQ, Hewlêr = Arbil) 2572 p. 37

ونك: گراماتیكا زهانی كوردی لسه زاراوی کرمانجی قه نات كوردو

پیژه وان ١٩٦٠ ژ ١٢

نك: ELFABÊYA KURDî Dr. Kamiran Alî Bedirxan Şam 1933

p. 27

٢- نك: L'AME DES KURD a la lumière de leur Folklore.

Thomas bois, o p. Beyrouth 1946. p. 38

٤- در زبان کردی مانند زبان فرانسه و عربی بعض اسماء موجودات غیر ذیروح نیز

بر حسب شکل و آخرین حرف کلمه، صورت تذکیر و تأنیث بخود میگیرد چنانکه در اینجا:

کراس = Kiras: یعنی: پیراهن موجود غیر ذیروح و مذکر مجازی است.

٥- نك: ئەلف و بێی كوردی و ینە دارگیوی موکریانی (به تیبی لاتینی) کوردستان

(عراق اربیل = ههولیر) ٢٥٧٢ ك. ٣٧.

دڤیا من دلیره = $\bar{A} > D\bar{e}ya \text{ Min } Dil\bar{e}re$ (یعنی مادر من دلیر است) که دڤی + آ است و $A = \bar{A}$ علامت اتصال مضاف به مضاف الیه است و نقش علامت مؤنث را دارد.

ماینا من خوش بهزه = $Mayina \text{ Min } Xo\bar{s} \text{ Beze}$ یعنی مادیان من شکیل و خوش جلوه است؛ در این جمله (ماین + آ = $Mayin + a = \bar{A}$) است و « $a = \bar{A}$ » علامت اتصال مضاف به مضاف الیه است و نقش علامت مؤنث را دارد.

ده پڤییا من پهشمیه = $Derp\bar{e}ya \text{ Min } Pe\bar{s}m\bar{i}ye$ یعنی: زیر شلواری من پشمی است که در این جمله (ده پڤی + ی + آ = $Derp\bar{e} + 'y + a = \bar{A}$) است و $A = \bar{A}$ علامت اتصال مضاف به مضاف الیه است و نقش علامت مؤنث را دارد.

در جملات زیر نیز، در لهجه مگوری تفاوت میان علامت مذکر و مؤنث وجود دارد: « $E = e$ » بعد از اسم منادی علامت مذکر و حتی باز در آخر فعل نیز « $e = E$ » آمده است؛ ولی برای جنس مؤنث هم بعد از اسم منادی و هم در آخر فعل علامت « $\bar{E} = \bar{e}$ » آمده است؛ مثال:

برای مذکر:

کۆزه مه ترسه = $Ku\bar{r}\bar{E} \text{ Metirs}\bar{E}$ = یعنی: پسر مترس.

کا که گوئی بگره = $Ka\bar{k}\bar{E} \text{ g}\bar{o} \text{ Bigr}\bar{E}$ = یعنی: برادر بزرگ گوش کن.

.....

به قسمت ناکه م = $Be \text{ qiset } Nakem$ = بحرف تو [عمل] نمی کنم:

برای مؤنث:

کچیی مه ترسی = $Ki\bar{c}\bar{E} \text{ Metirs}\bar{E}$ = دختر مترس.

۱- اضافه شدن حرف ی = y قبل از a علامت اتصال مضاف به مضاف الیه بعلمت حرف صدادار (دهنگی) آخر کلمه است.

۲- علامت مذکر و مؤنث در فعل، در لهجه مگوری رفته رفته فراموش شده ولی در اورامانی چنانکه خواهد آمد زنده مانده است ۱.ع

بوکی گویت لی بی = Bukê gôt lê Bê = عروس گوش کن .

بهقسیت ناکم = Be Qisêt Nakem = بحرف تو [عمل] نمی کنم

در لهجه میلانی = Milanî (کرمانجی منطقه آزارات) در حالت اضافه

گاهی برای مذکر «Ka=ک» و برای مؤنث «Kê=کی» بکار میبرند؛ مثال:

Ka=ک برای مؤنث:

ئهوه کیژکا منه = Ewe Kîjka mine = Kîj+ Ka =>

یعنی: این دختر من است

ئهوه ژنکا منه = Ewe jinka mine => jin+ka = یعنی: این زن من است

ئهوه دایکا منه = Ewe Dayka-mine => Dayi+Ka = یعنی: این مادر من است

کی = Kê برای مذکر:

ئهوه کورکی منه = Ewe Kurkê mine = Kur̄ + Kê =>

یعنی: این پسر من است

ئهوه باقی (باثکی) منه = Ewe Bav[K]ê mine = Bav+[K]+ê=>

یعنی: این پدر من است

علامت مذکر و مؤنث در لهجه زازایی و گورانی: امیر جلادت عالی

بدرخان در مقدمه‌ای مربوط به زبان‌شناسی کردی که بر کتاب مولودانبی نوشته است^۱

اشاره به وجود علامت مذکر و مؤنث در لهجه‌های دومی و سیورکی (زازایی) کرده است

متأسفانه معلومات قابل توجهی بدست نداده بودند که در اینجا نقل شود و حقیر نیز

در این باره مایه‌ای ندارد؛ لذا بحث و تحقیق درباره علامت مذکر و مؤنث در لهجه‌های

زازایی و گورانی را به اشخاص با اطلاع علاقه‌مند محلی و استادان فن واگذار می‌نماید.

۱- نک: مهولودانبی [لسه‌رئهرکی] ئه‌میر جه‌لادت به‌درخان شام ۱۹۳۳ ص ۱۳.

خنثی :

علامت اتصال مضاف به مضاف الیه در همهٔ لهجه‌های کردی، علامت مذکر و مؤنث نیست، گاهی این علامت تغییر میکند و حتی در بعضی لهجه‌ها اساساً علامت مذکر و مؤنث در حالت اضافه وجود ندارد، چنانکه علامت اتصال مضاف به مضاف الیه دیده میشود، از نظر مذکر و یا مؤنث بودن مضاف کاملاً خنثی است.

مثلاً در لهجهٔ سورانیه (= کرمانجی-مکری) میگوئیم :

الف - برای مذکر :

Bab + î => Babî min Rende == بابی من زنده

یعنی : پدر من خوب است

Kur̄ + î => kurî min Azaye == کوزی من آزایه

یعنی : پسر من شجاع است

Mam + î => Mamî min pîre == مامی من پیره

یعنی : عموی من پیر است

ب - برای مؤنث :

Dayik + î => Dayikî min jîre == دایکی من ژیره

یعنی : مادر من عاقل است

Xuşik + î => Xuşikî to Mihrewane == خوشکی تو میهره‌وانه

یعنی : خواهر تو مهربان است

Pür + î => Pürî wi Sade == پوری وی شاده

علامت اتصال در حالت اضافه که در اکثر لهجه‌های کرمانجی «î = ê» برای

جنس مذکر و «â = a» برای جنس مؤنث می‌آید در لهجهٔ سورانیه (مکری کرمانجی)

برای هر دو جنس بطور بی تفاوت مانند امثال فوق تبدیل به «ای = \hat{i} » شده است و «ای = \hat{i} » که علامت اتصال مضاف به مضاف الیه است، از نظر علامت مذکر و مؤنث خنثی میباشد.

همچنین در لهجه منگوری^۱ نوعی دیگر نیز علامت اتصال وجود دارد و آن عبارت است از «ای = \hat{i} » که در سایر لهجه‌های مکرری وجود دارد به اضافه «ده = de » مانند: ده‌نکی ده هه‌ناری = $Denki\ de\ Henar\hat{e}$ = یعنی: دانه انار.

علامت اتصال: $\hat{i} + de =$ ای + ده =

گولی ده سوئسنی = $Gul\hat{i}\ de\ S\hat{o}s\hat{i}n\hat{e}$ یعنی: گل سوسن.

علامت اتصال: $\hat{i} + de =$ ای + ده =

گوشه‌ی ده مه‌یدانی = $Go\hat{s}ey\ de\ Meydan\hat{e}$ = یعنی: گوشه میدان،

علامت اتصال: $\hat{i} + de =$ ای + ده = و این علامت هم خنثی است

II - در حالت ندا:

حروف یا ادات ندا، اصوات یا کلماتی هستند، که برای آواز دادن یا خواندن کسی یا کسان یا حیوانی استعمال میشود، در زبان کردی، در غالب لهجه‌ها، اسم‌نمادی به حرف یا پسوندی ختم میشود، که این پسوند برای جنس مذکر و مؤنث یکی نیست و در لهجه‌های مختلف کردی (کرمانجی یا کوری، بادینانی، سورانی، هه‌کاری موکری، زازایی و اورامانی...) تغییراتی پیدا میکند ولی آنچه مسلم است این پسوند در غالب لهجه‌ها نقش علامت مذکر و مؤنث را دارد.

در جدول‌هایی که خواهد آمد علامت مذکر و مؤنث در حالت ندا مشخص شده است.

۱- منگور: مه‌نگور = $Mengur$: یکی از ایلات اطراف هم‌ه‌باد (ساوجبلاغ)

مکرری که لهجه خاصی دارند این ایل در حفظ لهجه و هم‌چنین آداب و رسوم و سنن دیرین خود سخت متصباند.

دو لهجه مکبری (گرمایجی سورانی):

در لهجه مکبری علامت مذکر است؛ مانند: E==ه علامت مذکر : در حالت ندا بعد از اسم خاص (منادی) e==ه در لهجه مکبری علامت مذکر است؛ مانند:

حالت شخص	منادی	اضافه شدن علامت مذکر به منادی	علامت مذکر	اسم خاص کردی
مفرد مذکر مخاطب	Siware==سواره	Siwar + e==ه + سوار	E==ه	Siwar = سوار
»	Siyamende==سیامهنده	Siyamend + e==ه + سیامهند	»	Siyamend==سیامهند
»	Rende==زهنده	Rend + e==ه + زهند	»	Rend==زهند
»	Sêre==شیره	Sêr + e==ه + شیر	»	Sêr==شیر
»	Bengfîne==بنگینه	Bengfin + e==ه + بهنگین	»	Bengfin==بهنگین
»	Lase==لاسه	Las + e==ه + لاس	»	Las==لاس
»	Kawe==کاو	Kaw + e==ه + کاو	»	Kaw==کاو
»	Lawe==لاو	Law + e==ه + لاو	»	Law==لاو
»	Pîre==پیره	Pîr + e==ه + پیره	»	Pîr==پیر
»	Azade==آزاده	Azad + e==ه + آزاد	»	Azad==آزاد

(نشریه دانشکده ادبیات تبریز)

۱- نک : چریکه‌ی خج و سیامهند اثر نگارنده تبریز ۱۳۳۵ ص ۳۶ بند ۴۰ سطر ۱

در اوجه مکبری (گر مانجی سو رانی)

E = علامت مذکر : علامت مذکر: E = درحالتی که منادی اسم عام هم باشد صفت میکند ؛ مانند :

ملاحظات	شخص	منادی	اضافه شدن علامت مذکر بمنادی	علامت مذکر	معنی فارسی	اسم عام
	مفروضه مذکر مخاطب	Babe = باب	Bab + E = باب + E	E = مذکر	پدر	Bab = باب
»	»	Mame = مامه	Mam + E = مام + E	»	عمو	Mam = مام
»	»	Kake = کاکه	Kak + E = کاک + E	»	برادر بزرگ	Kak = کاک
»	»	Xaī = خایه	Xaī + E = خای + E	»	دایی	Xaī = خای
»	»	Birā = برآ	Birā + (ندارد) + E = برآ + E	»	برادر	Birā = برا
»	»	Ka = ک	Ka + E = ک + E	»	آقا	Ka = ک
»	»	Mamoza = ماموزا	Mamoza + E = ماموزا + E	»	عموزاده	Mamoza = ماموزا
»	»	Kūr = کوره	Kūr + E = کور + E	»	پسر	Kūr = کور
»	»	Piawe = پیاهه	Piaw + E = پیاه + E	»	مرد	Piaw = پیاه

علامت مؤنث در لهجه مکری (گرمانهجی-صو روانی)

علائم مؤنث در لهجه مکری است؛ مانند : $\hat{e} = \text{ئ}$: علامت مؤنث : در حالت ندا بعد از اسم خاص «ئ = \hat{e} » علامت مؤنث در لهجه مکری است؛ مانند :

ملاحظات	شخص	منادی	اضافه شدن علامت مؤنث به منادی	علامت مؤنث	شکل فارسی	اسم خاص
	مفرد مؤنث مخاطب	گوئی = $\text{Gu\bar{e}}$	گوئی + \hat{e} = $\text{Gu\bar{t}}$	ئ = \hat{e}	گل	گوئی = $\text{Gu\bar{t}}$
	»	نازی = $\text{Naz\bar{e}}$	نازی + \hat{e} = Naz	»	ناز	ناز = Naz
	»	کائی = $\text{Ka\bar{i}\bar{e}}$	کائی + \hat{e} = $\text{Ka\bar{i}}$	»	کال	کال = $\text{Ka\bar{i}}$
	»	شورئی = $\text{Šo\bar{r}\bar{e}}$	شورئی + \hat{e} = $\text{Šo\bar{r}}$	»	شور	شور = $\text{Šo\bar{r}}$
	»	شیرئی = $\text{Šir\bar{n}\bar{e}}$	شیرئی + \hat{e} = $\text{Šir\bar{n}}$	»	شیرین	شیرین = $\text{Šir\bar{n}}$
	»	سیوئی = $\text{S\bar{e}w\bar{e}}$	سیوئی + \hat{e} = $\text{S\bar{e}w}$	»	سیب	سیو = $\text{S\bar{e}w}$
	»	یاری = $\text{Yar\bar{e}}$	یاری + \hat{e} = Yar	»	یار	یار = Yar
	»	آسکئی = $\text{Ask\bar{e}}$	آسکئی + \hat{e} = Asik	»	آهو	آسک = Asik
	»	ناسکئی = $\text{Nask\bar{e}}$	ناسکئی + \hat{e} = Nask	»	نازک	ناسک = Nask
	»	زه نویری = $\text{Zenw\bar{e}r\bar{e}}$	زه نویری + \hat{e} = $\text{Zenw\bar{e}r}$	»	زنویر	زه نویر = $\text{Zenw\bar{e}r}$
$i + \hat{e}'$	»	شادییه = $\text{Šadyf\bar{e}}$	شادی + \hat{e} = Šadi	»	شادی	شادی = Šadi

۱- دو حرف صدا دار (دهنگی) : « $\hat{e} + i = \text{ئ} + \text{ی}$ » $\hat{e} = \text{ه}$ خواهد شد (نشریه دانشکده ادبیات تبریز)

علامت مؤنث در لهجهٔ مگوری (گرمانهجی-سورانی)

ی = علامت مؤنث: علامت مؤنث درحالتی که منادی اسم‌عام هم باشد صدق میکند؛ مانند:

ملاحظات	شخص	منادی	اضافه شدن علامت مؤنث بمنادی	علامت مؤنث	معنی فارسی	اسم عام
دایی، دایه	مرد مؤنث مضاعف	Daykê = دایکی	DyIk + ê = ئ + دایک	ê = ئ	مادر	DayIk = دایک
	»	Xuškê = خوشکی	XušIk + ê = ئ + خوشاک	»	خواهر	XušIk = خوشاک
	»	Dêdê = دیدی	Dêd + ê = ئ + دید	»	خواهر بزرگ	Dêd = دید
Kîqekê\	»	Pūrê = پوری	Pūr + ê = ئ + پور	»	عمه	Pūr = پور
	»	Kîqê = کچی	Kîq + ê = ئ + کچ	»	دختر	Kîq = کچ
	»	Zîneh = ژنی	jîh + ê = ئ + ژن	»	زن	Zîh = ژن

۱- کچه کی = Kîqekê <= Kîqekê + ê (e+k) + ê: یعنی: ای دختر، این (ك = k) که قبل از ê علامت مؤنث آمده علامت تصغیر

و در موردی تجمیب است.

۲- ژنه کی = jînekê <= jînekê + ê (e+k) + ê: یعنی: ای زن، که برای خوش آیند زبان بدین صورت درآمده و این (هك =

تشریح دانستگهٔ ادبیات تبریز)

علامت تصغیر و تجمیب را دربر دارد.

اسماء کردی اعم از خاص و عام غالباً کوتاه و دو یا سه سیلابی است، نامهای خاص کردی زنانه یا مردانه اکثراً سلیس و خوش معنی و دلایز است^۱. علاوه از اینکه خود اسم و معنی آن، معمولاً مذکر یا مؤنث بودن جنس را می‌رساند معیناً شکل اسم و مخصوصاً حرف آخر آن در حالت ندا با آمدن پسوند یا حرف ختم، بطور صحیح مذکر یا مؤنث بودن جنس را معلوم میکند.

کلمات و حتی نامهای علم زبانهای بیگانه مخصوصاً عربی که با استخدام کردی در می‌آیند، مطابق روح و خصوصیات این زبان و ذوق کردان چنان مقلوب و دگرگون میشوند و رنگ کردی بخود میگیرند که باز شناختن آنها دشوار است.

یکی از استادان بنام در مقدمه^۲ فرهنگی نوشته است «... چون ایرانیان از ادای تلفظ لغت عرب بر نمی‌آمدند...» برخی لغات عربی را دگرگون کردند؛ ولی کردان با این وجود که بخوبی میتوانند کلیه حروف و لغات و زبان ادبی و عوام عربی را به صحیحی تلفظ نمایند؛ معیناً بر حسب ذات و خاصیت و شم زبان کردی و ذوق خاص خود، کلمات و حتی اسماء خاص و عام را که از زبانهای بیگانه داخل کردی شده دگرگون کرده و به رنگ کردی در می‌آورند.

اینک صورت چند اسم خاص عربی که مکرر (کردی شده؟) گردیده و چون اسماء خاص کردی علامت مذکر نیز پذیرفته‌اند در جدول زیر می‌آوریم:

۱- نك : نامنامه کوردی تألیف اسمعیل ایوبیان .
 ۲- نك : فرهنگ بهدینان سروشپان تهران ۱۳۳۵ .

شکل تغییر نامهای مردانه عربی در کردی کرمانجی و سورانی :

صورت اسم عربی	شکل تغییر یافته در کردی سورانی	شکل تغییر یافته در کردی کرمانجی	علامت مذکر سورانی	علامت مذکر کرمانجی
محمد	Heme = حمه	Hemo = حمۆ	E = ه	O = و
مصطفی	Miçe = مچه	Miço = مچۆ	» » »	» » »
عبداله	A'ebe = عه به	A'ebo = عه بو	» » »	» » »
قادر	Qale = قاله	Qido = قدۆ	» » »	» » »
عبداله	A'ube = عوبه	A'bdo = عه بدۆ	» » »	» » »
محمد امین	Mine = مینه	Mino = مینۆ	» » »	» » »
رحمن	Xeme = خمه ^آ	Reho = ره خوۆ	» » »	» » »
ابوبکر	Bekre = به کره	Bekro = به کرۆ	» » »	» » »
خلیل	Xile = خله	Xido = خدۆ	» » »	» » »
صالح	SaTe = سائه	SaTho = سألخۆ	» » »	» » »
حسن	Hese = حهسه	Heso = ههسو	» » »	» » »

۱- و=و: اغلب نامهای اصیل مردانه کردی مخصوصاً در لهجه کرمانجی بحرف «و=و» ختم میشود مانند: سمکو، هه لو، چه کو مهنگو-مه ندۆ-شیر کوو ... و اگر چنانکه اسمهای دیگری باشد مانند: چیا، کامیار، لهمپهر، نه بهز، لاس، فه رهاد، زویل، بهش، گولآوی و ... این نامها نیز در لهجه کرمانجی مانند نامهای عربی دیگر گون شده به صورت تراشیده و سلیس: سرزبانها برو، که سبک و خوش تلفظ شود درمیآید مانند: چیچۆ، کامۆ، لهمۆ، لاسۆ، فدرۆ و ...

۲- مچۆ=Miço را در لهجه بادینانی و ههر کی «مستو=Misto» نیز گویند.

۳- خهسه را در لهجه مکرری مهلباد «خهمان=Xeman» نیز گویند.

در صورتی که منادی به ضمیری ختم شود دارای این حالت نخواهد بود یعنی منادی علامت مذکر یا مؤنث نمی پذیرد؛ مثال :

بابم = Babim = یعنی: [ای] پدرم (در حالت تندی و عصبانیت!)

دایکم = Dayikim = یعنی: [ای] مادرم (در حالت تندی و عصبانیت!)

خوشکم = Xuškim = یعنی: [ای] خواهرم » » »

همچنین برای منادی در حالت جمع علامت مذکر و مؤنث وجود ندارد؛ مثال:

جمع منادی مذکر :

پیاوینه = Pyawîne = پیاو + ینه => Piaw + îne = یعنی: [ای] مردان

کوژینه = Kuŕîne = کوژ + ینه => Kuŕ + îne = یعنی: [ای] پسران

برایینه = Birayîne = برا + ینه => Bira + îne = یعنی: [ای] برادران

جمع منادی مؤنث :

ژینینه = jinîne = ژن + ینه => jin + îne = یعنی: [ای] زنان

کچیینه = Kiçîne = کچ + ینه => Kiç + îne = یعنی: [ای] دختران

خوشکینه = Xuškîne = خوشک + ینه => Xušik + îne =

یعنی: [ای] خواهران

بوکینه = Būkîne = بوک + ینه => Būk + îne = یعنی: [ای] عروسان

جمع خنثی :

خزیمینه = Xizimîne = خزم + ینه => Xizim + îne = یعنی: [ای] خویشان

دۆستینه = Dostîne = دۆست + ینه => Dost + îne = یعنی: [ای] دوستان

کەسینه = Kesîne = کەس + ینه => Kes + îne = یعنی: [ای] کسان

کوردینه = Kurdîne = کورد + ینه => Kurd + îne = یعنی: [ای] کردان

چنانکه ملاحظه میشود علامت مذکر و مؤنث و خنثی در حالت جمع منادی یکی است و «اینه $\hat{i}ne$ » که پسوند جمع منادی خنثی است در جمع مذکر و یا مؤنث تغییری نمیکند. در لهجه بادینانی (بهدینانی = کرمانجی منطقه عمادیه، واقع در کردستان عراق) نیز نامهای عام مانند اسماء خاص صیغه ندا میگیرند و معمولاً آخر اسماء مذکر مختموم به پسوند \hat{o} و آخر اسماء مؤنث به « \hat{e} = ئی»: (یای مجهول) مختموم میشود چنانکه:

الف - علامت مذکر (\hat{o} = O) :

بابو = Babo \Rightarrow باب + \hat{o} = Bab + \hat{o} = یعنی: [ای] پدر
 آریزو = Azîz \hat{o} \Rightarrow آریز + \hat{o} = Azîz + \hat{o} = یعنی: [ای] عزیز
 کاکو = Kako \Rightarrow کاک + \hat{o} = Kak + \hat{o} = یعنی: [ای] برادر بزرگ

ب - علامت مؤنث (\hat{e} = Ê) :

دایه = Dayê \Rightarrow دای + ئی = Day + ê = یعنی: [ای] مادر
 آریزی = Azîzê \Rightarrow آریز + ئی = Azîz + ê = یعنی: [ای] عزیز
 کچی = Kiçe \Rightarrow کیچ + ئی = Kiç + ê = یعنی: ای دختر
 در بعضی از لهجات کردی بجای \hat{o} = O پسوند کو = Ko و بجای ئی = ê پسوند کی = Kê هم استعمال میکنند و این حرف کاف (K = ک) که داخل در علامت مذکر یا مؤنث اصوات آخر منادی میشود ظاهراً علامت تصغیر و یا تحبیب است.

مثال برای جنس مذکر :

بابکو = Babko \Rightarrow باب + کو = Bab + Ko = یعنی: ای پدر
 کاکو = Kako \Rightarrow کا + کو = Ka + Ko = یعنی: ای آقا (برادر بزرگ)

مامکۆ = Mamko => مام + کۆ = Mam + ko = یعنی: ای عمو [جان]

مثال برای جنس مؤنث :

دایکئی = Dayikê = دای + کئی => Day + kê = یعنی: ای مادر
 کچه کئی = Kiçekê = کچ + ه + کئی => Kiç + e + Kê = یعنی: ای دختر
 ژنه کئی = jinekê = ژن + ه + کئی => jin + e + Kê = یعنی: ای زن
 علامت تصغیر کردی خیلی عمیق و تودار است محبت رادر خود فشرده ظاهر آشنانه
 تحسین عم است و در مواردی صورت تحقیر و ریشخند هم پیدا میکند. اسماء خاص نیز گاهی
 این علامات را می پذیرند؛ مثال :

برای جنس مذکر :

شیر کۆ = Šêrko => شیر + کۆ = Šêr + ko = یعنی: ای شیر [عزیز] من
 چه کۆ = Çeko => چهك + کۆ = Çek + ko = یعنی: ای چك [عزیز] من
 شا کۆ = Ško => شا + کۆ = Ša + ko = یعنی: ای شا [عزیز] من

III - در حال آواز :

هۆی لۆ لۆ = Hoy lo lo - های لی لی = Hay lê lê

هر فرد کرد بیش از هر چیز عاشق شعر و ترانه و ساز و موسیقی است و زبان کردی اساساً يك زبان قهرمانی و عاشقانه است. در این زبان عاشق و معشوق، بعنوان پیش در آمده بعضی آهنگهای عاشقانه و حماسی، کلماتی یا اصواتی از قبیل: های لی،

این پیش در آمدها و اصوات مشابه آن، که معمولاً در آغاز بعض آهنگهای کردی خوانده میشود؛ در مفهوم کلماتی هستند که انسان در مواقع و موارد مختلف برای بیان طبیعی ترین احساسات انسانی خود ادا میکند. بالطبع این نواها احوال و امیال گوینده را نسبت به محیط و اهداف او بیان میکند و هم چنین حسن نیت و تحسین یا نفرت و ندامت گوینده را درباره کسی یا کسانی یا حیوانی یا چیزی اعلام میدارد. ع.ا.

های لی، های لی، های لی... = ... Hay lê, Hay lê, Hay lê... = ... یا های لی لی لی... = ...
 ... و هوئی لۆ، هوئی لۆ، هوئی لۆ... = ... Hoy lo, Hoy lo, Hoy lo... = ... یا (هوئی
 لۆ لۆ... = ... Hoy lo lo...) و ... را با صدای موزون، بلند و کشیده بر زبان
 میآورند؛ این اصوات یا کلمات ظاهراً معنی صریحی ندارند ولی تلویحاً در موقع خواندن
 ترانه‌های حماسی و عاشقانه، نقش علائم مؤنث و مذکر را دارد؛ مثلاً وقتی مردی در
 تعریف و ستایش زنی و یا جوانی بخاطر دختری يك قطعه از دستگاه، آهنگ «ستران»
 = Sitran یا «**حهیران**» = Ĥeyran را میخواند بر حسب معمول دست بینا گوش
 خود میگذارد و با آواز بلند مقدماً چندین مرتبه پشت سرهم بطور کشیده و پرطنین
 های لی لی = Hay lê lê... را که تلویحاً یعنی (هان ای زن یا ای دختر) میخواند
 و بعد «ستران یا حیران» را که حتماً وصف الحال سروده شده است برای (ویا به یاد)
 دلبر خود میخواند.

اگر زنی در تعریف و ستایش مردی و یا دختری بخاطر جوانی قطعه‌ای از

- ۱- در لهجه‌های: بادینانی، بوتانی، باکوری و هکاری و... ستران = (Sitran)
 در لهجه‌های سورانی (مهاباد مگری و سلیمانیه) : **حهیران** گویند؛ حیران: یکی از انواع
 آهنگهای بسیار رایج و دلنشین کردی است، که غالباً به همراهی یکی از ادوات موسیقی میخوانند، با این
 وجود بیشتر حیران را همراه **تار و کمانچه** میخوانند ولی شنیدن **حیران** هم آهنگ **نهی**
 چوپانان در کمر کوه‌های باصفای کردستان و یا هنگام یورش و هنرنمایی جنگاوران و سواران کرد
 که هم آهنگ با «سه تپل» = sêtepil «سه تپل» میخوانند شنیدنی است.
 موضوع و معنی کلمه حیران و ستران در کردی، محبوبه و معشوقه است و به این نوع آهنگها که
 بیشتر در تعریف محبوبه و زیبایی یار و طبیعت و باران و در بیان عشق و محبت و شکار و شجاعت است،
 خلاصه به يك نوع آهنگهای بزمی و رزمی اطلاق میشود.
 شعر و آهنگ (حیران، ستران) دو جان در يك قالب است کلمه حیران یا ستران مفهوم
 بیشتر به آهنگ اطلاق میشود تا شعر، شعر حیران بطور کلی سیلابی و مبنی بر قافیه است، اما نامرتب
 لیکن در وزن و سلاست چون بحر طویل، حیران قواعد شعری و حتی هیکل بعضی واژه‌ها را در هم
 میفشرد و حتی در برخورد با خوشنوی تغییر هم میدهد.

«حیران، ستران» را بخوانند، بعنوان پیش در آمد آواز با صدای بلند و پرطنین چندین مرتبه هوی لۆ هوی لۆ را بر زبان می‌آورد و بعد آهنگ را شروع میکند. اما چون این پیش در آمد و دستگاه و آهنگ «حیران، ستران» در همه لهجه‌های کردی خوانده نمیشود و در لهجه‌های کرمانجی هم کاملاً بهم شبیه نیست و مقلدین و از بر کنندگان غیر، یعنی افراد ایلاتی که به لهجه‌های کرمانجی کاملاً تسلط نداشته و غالباً به این ریزه کاری‌های زبان بطور علمی واقف نبوده اند و تا عصر حاضر نیز اصولاً توجهی به تحقیق و تدقیق و خدمت بزبان و فرهنگ عامیانه و ادبی کردی نشده بود لذا در نتیجه، غالباً این نکات شایان توجه بمرور بدست بی‌اعتنایی سپرده شده و رفته رفته این قواعد و اصول ارزنده که مانند کلیدی در علم زبان شناسی میتوانست مورد استفاده واقع شود فراموش شده اند.

چنانکه با کمال تأسف در بعضی نقاط کردستان همین یکی دو نکته‌ای را که حقیر در مورد پیش در آمدهای «های لئی و هوی لۆ لۆ» یاد آور شد به غلط به عنوان قالب و دستگاه‌های آهنگ‌های مخصوصی میشناسند و هنوز افرادی داریم که تحصیلات عالی‌ها در رشته‌های ادبی گذرانده اند و از وجود علامت مذکر و مؤنث در زبان مادری خود بی‌خبرند.

IV = در حالت فعل :

مردم اورامان^۱ که در کوهستانهای سخت کردستان ایران ساکن هستند و به لهجه مخصوص سخن می‌گویند که به اورامانی موسوم است بقول آقای شیخ محمد مردوخ^۲

- ۱- اورامان : که در کردی هه ورامان = Hewraman تلفظ میشود ؛
 نك: فرهنگ جغرافیائی ایران ، از انتشارات دایره جغرافیائی ستاد ارتش استان کردستان و کرمانشاهان ج ۵ تهران ۱۳۳۱ ص ۲۷ .
- ۲- نك: تاریخ مردوخ (کردو کردستان) شیخ محمد مردوخ کردستانی تهران چاپخانه ارتش ۱۳۳۳ ج ۱ ص ۴۱ .
 و نك: کوردستان (رفرژنامه‌ی هه‌وته‌ی) تاران ژماره‌ی ۲۰۶ سالی ۴ (۲۵۷۵ = ۱۳۴۲ خورشیدی) پ ۱ .

... لهجه آنها توانسته است که رابطه خود را با اصل و ریشه زبان کردی بهتر حفظ کند» از برای زن و مرد مانند زبان عربی و فرانسه در صرف افعال علامت مذکر و مؤنث وجود دارد و ما برای نشان دادن آن علامت چند مثال ذکر میکنیم:

الف - صرف فعل برای مذکر :

$A = \bar{A}$ - در جمله فرهاد آما = Ferhad Ama یعنی فرهاد آمد، آما: یعنی مردی آمد، که بصورت :

$am + A = > Ama = \bar{A} + \bar{A} <$ آما
و پسوند $A = \bar{A}$ در فعل آما علامت مذکر است .

$A = \bar{A}$ - در جمله آزاد لوا = Azad lua یعنی آزاد رفت، که لوا: یعنی مردی رفت بصورت :

$lu + a = > lua = \bar{A} + \bar{A} <$ لوا

ب - صرف فعل برای مؤنث :

در جمله شیرن آماینی = Širin Amaynî یعنی شیرن آمد، آماینی = Amaynî
یعنی زنی آمد، که بصورت :

$Am + Aynî = > Amaynî = \bar{A} + \bar{A} <$ آماینی

و پسوند «آینی» در فعل Amaynî = سوم شخص مفرد مؤنث حاضر پسوند آینی = Aynî علامت مؤنث است .

آینی = Aynî : در جمله فرشته لواینی = Firište luaynî = یعنی فرشته رفت، لواینی یعنی زنی رفت که بصورت :

$lu + Aynî = > Luaynî = \bar{A} + \bar{A} <$ لواینی

پسوند «آینی» در فعل لواینی = Luaynî سوم شخص مفرد مؤنث حاضر . علامت مؤنث است .

پروفسور آرتور کریستنسن^۱ که با همکاری آژه میربندیکنسن^۲ دزسفری که در سال ۱۳۱۳ به کردستان آمده و در باره لهجه‌های اورامانی و پاهوای تحقیق و مطالعه کرده‌اند بوجود علامت $A = \text{آ}$ برای جنس مذکر، $\text{آنا} = \text{ana}$ برای جنس مؤنث در لهجه اورامانی اشاره کرده و بذكر مثالی چند نیز پرداخته‌اند. و اینک برای نمونه چند مثال از یادداشت‌های آن استاد معظم را عیناً نقل می‌کنیم:

برای جنس مذکر :

- پی‌اخاسه = Piya Xase = یعنی: مردی خوبی است .
 کوراخاسه = Kura Xase = یعنی: پسر خوبی است .
 ای‌پی‌اکوره = i piya Kore = یعنی: این مرد کور است .
 گاو‌اخاسه = Gawa Xase = یعنی: گاو خوبی است .
 کوزه‌شه‌گرته = Kuraša gèrte = یعنی: پسر بچه بوسیله او گرفته شد .
 ای‌اسپشه‌گرته = i Espše gèrte = یعنی: این اسب بوسیله او گرفته شد .

برای جنس مؤنث :

- ژناخاسانا = jina Xasana = یعنی: زن خوبی است .
 که‌نیچاخاسانا = Keniça Xasana = یعنی: دختر خوبی است .

۱- آرتور کریستنسن Arthur Christensen
 نك: مطالعات ایران‌شناسی در دماوند (مقاله آقای مهدی غروی مجله راهنمای کتاب تهران)
 سال ششم ۱۳۴۲ شماره (۱۰ و ۱۱) ص ۶۴۴ .

۲- میربندیکنسن Agè Meyer Bendictsen
 ۳- $\text{آنا} = \text{Ana}$: که مرد و دخ آن را بصورت آینی؟ = Ayni? بدون ترانسکرپسیون با خط معمولی فارسی نوشته‌اند. ظاهراً دارای يك نوع اختلاف صوتی است و شاید نشانه يك تحول فونتیکی یا اختلاف لهجه‌ای باشد .

۴- نك: Les dialectes d' Awromān et de Pawā par Meyer Bendictsens et par Arthur Christensen Kobenhavn 1921. P. 53

ژنهش کهرانه = jineš Kerana = یعنی: خانمش کر است .
 مودرازانه = Mu dirazane = یعنی: گیسوان دراز است .
 که ناچاشا گیرته = Kenaça Şagerte = یعنی: دختر بچه دستگیر شده
 فعلاً بحث خود را در اینجا خاتمه میدهد^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۱- نگارنده امیدوار است که استادان فن و اشخاص فاضل و بااستعداد محلی در این باب تحقیقات لازم بعمل آورده و برگردن این بنده حقیر منت فراوان بگذارند. ع. ۱.